




بررسی تحلیلی حضور اهل کتاب در مکه با تکیه بر مستندات قرآنی، تاریخی و روایی



الهام آقادوستی*^۱ 

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.525421.1467> 

امیر احمدنژاد^۲ 

اعظم پرچم^۳ 

مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳-۰۴-۲۲

بازنگری: ۱۴۰۳-۰۶-۲۱

پذیرش: ۱۴۰۳-۰۷-۰۲

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۷-۲۷

چکیده

بسیاری از مفسران در واکنش به ادعای مخالفان در مورد امکان علم آموزی پیامبر (ص) از اهل کتاب در مکه، سعی دارند حضور این اقلیت را در نخستین سالهای بعثت در مکه انکار کنند. این گروه به هنگام مواجهه با آیات مکی که به اهل کتاب اشاره دارد، با نادیده گرفتن قرائن متعدد تاریخی و قرآنی، نزول این آیات را گسسته دانسته و آنها را مدنی معرفی میکنند. مهمترین استدلال آنها نیز عدم امکان حضور اهل کتاب در مکه و در نتیجه جدا شدن آیات از سیاق سوره و نزول متاخر آنهاست. این در حالیست که یافته های پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مستندات تاریخی مانند بررسی نامها و وجود مقابر و معابد اهل کتاب در مکه، مستندات روایی مانند اسباب نزولی که به نزول آیه یا سوره در پی سوال اهل کتاب اشاره دارد، مستندات تفسیری مانند تصریح مفسران به حضور اهل کتاب در مکه و مستندات قرآنی مانند کاربرد واژگان بنی اسرائیل، اوتوا الکتاب، اهل الکتاب، آتینا الکتاب در سور مکی حضور اهل کتاب را در عصر پیامبر (ص) در مکه اثبات میکند.

واژگان کلیدی: اهل کتاب، سوره های مکی، مکه، نصاری، یهود

استناد به مقاله:

نام خانوادگی، نام. (سال). عنوان. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره (شماره)، ۰۰-۰۰-۰۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.525421.1467>

۱. دانش آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

e.aghadosti@ahl.ui.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

حضور یا عدم حضور اهل کتاب در مکه در دوران حضور پیامبر در این سرزمین، یکی از چالش‌هایی است که مفسران و محققان را به تحقیق و بررسی واداشته است. برخی حضور و تعامل با اهل کتاب را منحصر به دوران مدنی میدانند و شمار زیادی از آیات مدنی و اسناد تاریخی را به عنوان استدلال ارائه می‌دهند. این گروه به حضور اهل کتاب در مکه اعتقادی نداشته و هنگام مواجهه با آیات مکی که صراحتاً به اهل کتاب اشاره می‌کند، به گسستگی آنها حکم کرده و آن را آیه ای مدنی و مستثنی شمرده که ضمن سوره ای مکی جا گرفته است. علت پافشاری این مفسران بر جدا کردن آیات مرتبط با اهل کتاب از سیاق سوره مکی، هرچند با این استدلال است که در مکه تعاملی با اهل کتاب صورت نگرفته، اما علت انکار این حضور را میتوان به دلیل مقابله با خرده گیری های مخالفان و اتهام علم آموزی پیامبر از اهل کتاب مکی دانست (برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: [احمدنژاد و کلباسی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵](#)).

این در حالیست که گروهی دیگر به تعامل پیامبر با اهل کتاب در مکه تصریح کرده و به آیات و روایات تاریخی استناد می‌جویند. از آنجایی که مستندات گروه دوم به اندازه ای قوی نیست که منکران حضور اهل کتاب در مکه را اقناع سازد و از سوی دیگر این مستندات به صورت پراکنده در کتب مختلف آمده و از سوی سوم بیش از هر چیز بر حضور موقت اهل کتاب در مکه در قالب مسافران و تاجران و زائران تکیه شده است، لذا همواره دیدگاه گروه نخست در اولویت و شهرت بوده و حضور و سکونت دائم اهل کتاب در مکه به کمترین شکل مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال اصلی است که چگونه میتوان اثبات کرد اهل کتاب به صورت دائم در مکه حضور داشته اند؟ پاسخ به این سوال هدف اصلی پژوهش حاضر است که با روش صورت توصیفی - تحلیلی به بررسی منابع مختلف تاریخی، تفسیری، روایی و قرآنی می پردازد. در پرتو این هدف، اهمیت مسئله نیز مشخص است و میتوان ابهامات و شبهات متعددی را پاسخ گفت. از جمله اینکه این حضور به معنای علم آموزی پیامبر از آنها نبوده است و این مسئله ای است که در آیات متعددی بدان اشاره شده است؛ از سوی دیگر تفسیر برخی از آیات که مفسران در تعیین مصداق آن دچار اختلاف شده اند، روشن میشود و شمار زیادی از آیات مکی که به دلیل اشاره به اهل کتاب، از سیاق سوره جدا و مدنی معرفی شدند، از حکم مستثنی خارج شده و گسسته خواندن آنها منتفی میشود.

پیشینه پژوهش

برخی از محققان همچون محمد عزت دروزه در کتاب «عصر النبی و بیئته قبل البعثة» به حضور اهل کتاب در مکه با توجه به برخی از آیات اشاره کرده اند. مقالاتی نیز به بررسی این مسئله از نگاه مفسران پرداخته است که میتوان به مقاله احمدنژاد و کلباسی با عنوان «نقد دیدگاه مفسران معاصر درباره تعامل پیامبر با اهل کتاب در مکه» و نیز مقاله «بررسی تفسیری سیر تعامل پیامبر با اهل کتاب در مکه» از همین دو نویسنده اشاره کرد. در این پژوهشها به برخی از آیات مکی و بررسی دیدگاه مفسران در مورد ارتباط این آیات با اهل کتاب در مکه اشاره شده است. این درحالیست که پژوهش حاضر سعی دارد مجموع آیات مکی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به حضور اهل کتاب در مکه اشاره داشته، بررسی کند. ضمن اینکه اشاره مفصل به قرائن تاریخی و روایات شان نزول نیز به عنوان شواهد دیگر برای اثبات این حضور مطرح میشود. ارائه مجموع این قرائن در کنار هم در دیگر پژوهشهایی که در این حوزه انجام شده، تاکنون مورد اشاره و بررسی قرار نگرفته است.

مبانی نظری

۱-۱- شواهد قرآنی

مراد از شواهد قرآنی، بررسی سیاق و محتوای آیات و نیز واکاوی الفاظ و عباراتی است که در خلال سور مکی به کار رفته و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به اقلیتهای اهل کتابی اشاره دارد. بدان معنا که برخی از آیات و سور به صورت مستقیم به اهل کتاب و کلید واژگان مربوط به آن اشاره میکند و در دسته دوم از طریق قرائن دیگر میتوان اشاره به این اقلیت را دریافت و نتیجه گرفت.

۱-۱-۲- اشاره مستقیم آیات و سور

کاربرد برخی واژگان مرتبط با حوزه اهل کتاب، در میان سور مکی به عنوان مهمترین شاهد بر حضور این اقلیت در مکه مورد استناد قرار میگیرد. این واژگان شامل «اهل کتاب، آئینا الکتاب، اوتوا الکتاب، بنی اسرائیل، الذین هادوا، تورات و انجیل» یا اشاره به موسی و هارون، عیسی و مریم، زکریا و یحیی، ادريس و ابراهیم و همچنین توجه به اوتوا العلم و اهل الذکر و اهل العلم است. استعمال این الفاظ و عبارات در خلال سور مکی بدان معناست که مخاطبانی از اهل کتاب در مکه حضور دارند. علت این مسئله را میتوان اینچنین بیان کرد که زمانی که خداوند در پی جذب مخاطبی خاص باشد، سعی می کند بیشتر از واژگانی استفاده کند که برای وی گوش نواز بوده، بدان مأنوس است و آنها را می شناسد. هرچند دیگر مخاطبان هم معنای این واژگان را درک می کنند، اما کاربرد این الفاظ برای آن مخاطب خاص، هدف دیگری دارد که آن هدف جذب مخاطب است (آقادوستی، ۱۴۰۳، ص ۵۵). حضور اهل کتاب در مکه چه به صورت موقت و در قالب مسافران و تاجران و زائران باشد و چه به صورت دائم در قالب بردگان و ساکنان اهل کتابی مکه، مبین یک مسئله است و آن اینکه سور مکی مستقیماً با آنها در ارتباط بوده و میتوان این ارتباط را در آیات این دوران رصد و روند آن را دنبال کرد.

واژگانی که مستقیماً به اهل کتاب مرتبط است و در خلال سور مکی به کار رفته در ذیل مورد بررسی قرار میگیرد:

- **اوتوا الکتاب:** نخستین آیه مکی که دو مرتبه به صورت مستقیم به «اوتوا الکتاب» اشاره میکند، آیه سوم سوره مدثر است که علت ذکر تعداد فرشتگان خازن دوزخ را یقین اهل کتاب مطرح میکند. این آیه که به اجماع مفسران و قرآن پژوهان، مکی است، به تمجید از اهل کتاب میپردازد که خود دال بر حضور این گروه در مکه است.
- **آئیناهم الکتاب:** آیاتی مانند آیه ۲۰ انعام، ۵۲ قصص، ۳۶ رعد، ۴۷ عنکبوت که به علم و شناخت و ایمان اهل کتاب نسبت به قرآن و پیامبر اشاره دارد، میتواند حضور ایشان را در مکه تأیید کند؛ زیرا توجه دادن مخاطب به آگاهی علمای بنی اسرائیل دال بر حضور این گروه در نزدیکی منکران است، به شکلی که برای رفع انکار و ابهام خود میتوانند به ایشان مراجعه کنند.
- **الذین یقرؤون الکتاب:** در آیه ۹۴ سوره یونس خداوند مخاطب را به عنوان مرجعی برای منکران در استعمال حقانیت قرآن معرفی میکند: «فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ».
- **اهل الکتاب:** آیاتی که با استعمال این واژه مومنان را از جدال با اهل کتاب باز میدارد: «وَلَا تَجِدُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت: ۴۶).
- **بنی اسرائیل:** این کلید واژه در سور مکی در مواضع متعددی به کار رفته است؛ از جمله در آیه ۷۶ سوره نمل که خداوند قرآن را عامل رفع اختلاف میان بنی اسرائیل معرفی میکند. اگر این چنین فرض شود که مراد خداوند بنی اسرائیلی است که ساکن دیگر سرزمینهاست و اکنون به عنوان مخاطب آیات حضور ندارند، دلیلی بر اشاره به این مسئله در میان سور ای مکی وجود ندارد. اشاره به علم و شناخت این اقلیت نسبت به پیامبر و قرآن و شهادت به حقانیت آنها نیز در آیات بعدی با استعمال همین واژه

مطرح میشود (برای نمونه نک: شعراء: ۱۹۷؛ احقاف: ۱۰). همچنین تمجید از بنی اسرائیل در آیه ۲۳ و ۲۴ سوره سجده با کاربرد همین واژه ملاحظه میشود. توصیف این اقلیت به امام و وصف کتابشان به هدی، به معنای حضور آنها در میان مخاطبان است؛ وگرنه مدح و ستایش شخص یا چیزی بدون حضور او و جلب نظر او خالی از فایده است.

- «الَّذِينَ هَادُوا»: آیات ۱۴۶ سوره انعام و ۱۱۸ سوره نحل خداوند به تحریم برخی خوراکی ها برای یهود اشاره میکند.
- «الَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسَ»: این عبارت که یک مرتبه در میان سور مکی در آیه ۱۷ سوره حج آمده است مستقیماً به یهود، نصاری و صابئین به عنوان اهل کتاب اشاره شده است. این مسئله با عدم حضور ایشان در مکه قابل درک نیست.
- «ابن مریم»، «عیسی»: استعمال این واژگان از حضور پیروان این پیامبر در میان مخاطبان سوره حکایت دارد. در آیات ۵۷ و ۵۹ و ۶۳ سوره زخرف و نیز آیات ۹۸ و ۱۰۱ سوره انبیاء خداوند به عیسی اشاره کرده و از او در برابر منکران دفاع میکند.
- «الصُّحُفِ الْأُولَى»: اشاره به صحف ابراهیم و موسی در آیات پایانی سوره اعلی و طه به حضور پیروان این دو پیامبر اشاره دارد؛ زیرا در غیر اینصورت دلیلی ندارد که مشرکان به کتابهایی که بدان اعتقادی ندارند، ارجاع داده شوند.
- اشاره به کتب اهل کتاب مانند تورات و انجیل در سوره اعراف یا اشاره به زبور در سوره انبیاء نیز بر این حضور دلالت دارد که در قسمت بعدی بیشتر مورد بررسی قرار میگیرد.
- خطاب مستقیم به اهل کتاب و توبیخ ایشان در آیاتی همچون «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَ هُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَ تَخْفُونَ كَثِيرًا وَ عَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لَا ءَابَاؤُكُمْ» (انعام: ۹۱) نیز صراحتاً از حضور آنها در برابر آیات حکایت دارد.

۲-۱-۲- اشارات غیر مستقیم آیات و سور

مخاطبان آیات قرآن در سه دسته کلی مسلمانان، مشرکان و اهل کتاب قابل تقسیم هستند. شناخت این مخاطب یا از طریق کلماتی است که در آیه به کار رفته مانند یا ایها الذین آمنوا، یا اهل الکتاب و غیره یا از طریق قرائنی که در آیه یا در سیاق سوره قابل دستیابی است. مجموع این قرائن یا چند قرینه که همگی دال بر نوع خاصی از مخاطب است، فرضیه کیستی مخاطب را مطرح میکند. به عنوان نمونه اگر در مجموعه ای از آیات یک سوره واژگانی با اصالت جنوبی و قحطانی به کار رفته باشد و در شان نزول آن سوره نیز از ملاقات پیامبر با گروهی از تاجران یمنی سخن به میان آمده باشد و در عین حال ماجراهایی که برای اهالی جنوب شبه جزیره آشناست همچون قصه اصحاب فیل یا اصحاب اخدود در آن سوره اشاره شده باشد، مجموعه این قرائن فرضیه جنوبی بودن مخاطب آن سوره یا آن دسته از آیات را مطرح میکند. اما صرف داشتن یک یا دو قرینه نمیتواند چنین فرضیه ای را مطرح کند. هدف از این قسمت اشاره به قرائنی است که در کنار هم قرار گرفتن مجموعه ای از آنها میتواند فرضیه اهل کتابی بودن مخاطب مکی را مطرح کند. این مسئله به طور قطع با یک یا دو قرینه قابل اثبات نیست.

قرائنی که در این قسمت به اختصار و با توجه به محدودیت حجم مقاله معرفی میشود شامل بررسی سیاق و محتوای سوره، بررسی بینامتنیت قرآن با کتاب مقدس، بررسی اصالت واژگان و قصص قرآن میشود.

نخستین قرینه ای که میتواند در تعیین نوع مخاطب یک سوره کمک کند، بررسی محتوایی سوره است. بی تردید اشاراتی که در مضمون آیات نهفته است، میتواند دلالتی بر تعیین نوع مخاطبان باشد.

- ا. محتوای آیات و سور
- در آیه «أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَقَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لِمَا تَحْكُمُونَ» (قلم: ۳۹) خداوند به توبیخ کسانی میپردازد که گمان میکنند از خداوند عهد و پیمان گرفته اند که از عذاب دوزخ در امان هستند. این گروه به شهادت آیات دیگر قرآن از جمله آیه ۸۰ سوره بقره اهل کتاب و به ویژه یهودیان هستند.
 - آیات ابتدایی سوره صاد به مخاطبی اشاره دارد که دارای صفت عزت و شقاق است، یعنی خود را بزرگ میندازد و تفرقه افکن است؛ این گروه هم میان خودشان اختلاف وجود دارد و هم در میان دیگران جدایی می اندازند. از سویی نزول ذکر را بر گروه دیگری غیر از مسلمانان شایسته میدانند. این اوصاف با بررسی واژگانی و مضمون آیات و تطابق آن با دیگر سخنان یهود که در سرتاسر قرآن بدان اشاره شده و با توجه به اوصافی نظیر کبر و حسادت و عناد و تفرقه افکنی که از ایشان مشهور است، مخاطب پنهان سوره را گروهی از یهودیان معرفی میکند که آیات به صورت غیر مستقیم به ایشان اشاره دارد و ذکر ماجرای داود و سلیمان را برای ایشان بازگو میکند. از سوی دیگر کاربرد واژه احزاب نمیتواند تنها برای یک گروه به کار رود، بلکه گروههای مختلفی که ترکیبی از مشرکان و یهودیان است، مخاطبان این سوره هستند.
 - در آیه ۱۳۵ سوره طه خداوند به صورت غیر مستقیم مخاطبی را تهدید میکند که خود را «اصحاب الصراط السوی و من اهتدی» میدانند. این وصف با بزرگ بینی یهود و ادعای هدایت یافته بودنشان که در دیگر آیات قرآن عنوان شده، مطابقت دارد.
 - نزول سوره ای مکی همچون سوره اسراء با موضوع پیشینه بنی اسرائیل و موضوعات مرتبط با ایشان و همچنین تسمیه آن به نام بنی اسرائیل میتواند بزرگترین شاهد بر حضور این گروه در میان مکیان باشد. حضور این قوم در سرتاسر سوره به خوبی قابل لمس است؛ آیات ابتدایی سوره (۷-۱) به بیان معبد مقدس ایشان، پیامبر، کتابشان و نیز اجداد آنها اشاره میکند و سپس به وقایعی که در طول دوران های مختلف با آن مواجه بودند، اشاره میشود. در آیات میانی (۳۹-۲۲) به توصیه هایی شبیه ده فرمان موسی میپردازد که کاملاً برای مخاطب بنی اسرائیلی قابل درک است و در آیات پایانی (۱۱۰-۱۰۷) به تمجید این گروه با توصیفشان به اهل علم بودن و ایمانشان به قرآن میپردازد.
 - در آیه ۱۱۱ یوسف خداوند پس از بیان ماجرای مفصل حضرت یوسف، قرآن را کتابی معرفی میکند که مصدق کتب آسمانی پیشین است. این بدان معناست که جماعتی از اهل کتاب در مکه حضور دارند که این ماجرا را شنیده و بر یکسانی آن با همتای توراتیش شهادت داده و قرآن را به راستی مصدق کتب خویش می یابند. در آیه ۳۷ یونس نیز به مصدق بودن قرآن اشاره شده است.
- آنچه در این قسمت بررسی شد، محتوای برخی از سور مکی بود که مشتمل بر قرائتی بود که میتوانست بر حضور اهل کتاب در مکه دلالت داشته باشد.
- ب. بینامتنیت
- برخی از توصیه ها و فرازهای مربوط به کتاب مقدس و معتقدات اهل کتاب که در قرآن مکی عیناً تکرار شده، نمیتواند حضور مخاطب اهل کتابی را نادیده بگیرد. زیرا زمانی که خداوند در خلال آیاتش به نکاتی اشاره میکند که برای مخاطب اهل کتاب به واسطه شناختش از طریق کتب مقدس، ملموس است، به طور غیر مستقیم اهل کتاب را هم در کنار مسلمانان خطاب قرار میدهد. این نکته زمانی قابل اثبات

است که بتوان دلایل دیگری در تقویت آن مطرح کرد. از جمله واژگان مرتبط با اهل کتاب، محتوای آیات یا واژگان دخیل عبری و سریانی که به یهودی یا مسیحی بودن مخاطب اشاره دارد.

- «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ» (ق: ۳۸). این آیه مطابق با آیاتی از فصل ۳۱ سفر خروج است که به خستگی یهوه از خلقت آسمانها و زمین اشاره دارد: «It is a sign between Me and the sons of Israel forever; for in six days the LORD made heaven and earth, but on the seventh day He ceased from labor, and was refreshed.» (خروج، ۱۷/۳۱).

- مفهوم آیه «مکتوبا عندهم فی التوراه والانجیل» (اعراف: ۱۵۷) در انجیل یوحنا آمده است. زمانی که عیسی میگوید: من به شما راست میگویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را نزد شما میفرستم (انجیل یوحنا، ۸ و ۷/۱۶) و همچنین در همان کتاب از قول عیسی آمده که چون تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما میفرستم، آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر میگردد، او بر من شهادت خواهد داد (انجیل یوحنا، ۲۶/۱۵). تطابق این فرازهای انجیل با آیه ۱۵۷ اعراف به حضور نصاری در میان مخاطبان آیه اشاره دارد.

- بینامتنیت برخی از ماجراهایی که در سوره مکی بکار رفته و مشابه با همتای خود در کتاب مقدس است، قرینه ای بر حضور اهل کتاب در برابر آیات مکی است. از جمله مشابهت ماجرای اصحاب القریه در سوره یس با عهد جدید قابل توجه است. این ماجرا در تفاسیر مختلف به انطاکیه و ماجرای رسولان عیسی تطبیق داده شده است. همچنین اشتراک دو متن تورات و قرآن در ماجرای یوسف دال بر شناخت یهود از این ماجرا و حضور ایشان در میان مخاطبان است. به ویژه اینکه شان نزول این سوره نیز به سوال یهود از ماجرای یوسف اشاره دارد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۹، ص ۱۱۸؛ دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۸).

- آیات پایانی سوره فرقان از یک سو به خلقت آسمانها و زمین در شش روز که مطابق آیات عهد قدیم است، اشاره کرده: «در شش روز خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه که در آنهاست بساخت» «For in six days the LORD made the heavens and the earth, the sea and all that is in them,» (خروج، ۱۱/۲۰). از سوی دیگر متضمن فرازهایی شبیه به ده فرمان موسی است که در ادامه بررسی میشود و از سوی سوم استعمال واژه تبارک در این سوره و شباهتش با کتاب مقدس: «و او را مبارک خوانده گفت: مبارک باد ابرام از جانب خدای تعالی، مالک آسمان و زمین/ و متبارک باد خدای تعالی که دشمنانت را بدست تسلیم کرد» «He blessed him and said, "Blessed be Abram of God Most High, Possessor of heaven and earth; //And blessed be God Most High, Who has delivered your enemies into your hand."» (پیدایش، ۱۴-۲۰/۱۹) همه این مشابهت‌ها مبین حضور اهل کتاب در میان مخاطبان سوره مکی فرقان است.

- ذکر برخی از آیات که ظاهراً برای مشرکان نامأنوس بوده اما معادل آن در کتاب مقدس ملاحظه میشود و اهل کتاب به خوبی از آن آگاهند، بر حضور ایشان در میان مخاطبان سوره و در نتیجه حضورشان در مکه تأکید میکند. از جمله این آیات اشاره به استیلای رحمن بر عرش است که در آیه پنجم سوره طه اشاره شده است: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» و دقیقاً مطابق با فراز ۱۹ از باب ۱۰۳ مزامیر است: «...»

ج. قصص بنی اسرائیلی

اشاره به قصص انبیای بنی اسرائیل همچون موسی، عیسی، یحیی، زکریا، داود، سلیمان و صاحب الحوت در صورت وجود قرآنی که بر اهل کتابی بودن مخاطب دلالت کند، میتواند به عنوان قرینه دیگری مطرح شود که فرضیه حضور مخاطبانی یهودی یا مسیحی را تقویت میکند. گاهی این ماجراها همچون ماجرای صاحب الحوت در سوره قلم و یا ماجرای ایوب در سوره صاد بخاطر آشنایی مخاطبان اهل کتابی با این ماجراها به اختصار اشاره میشود و گاهی در برخی از سوره به صورت مفصل بیان میشود، به طوریکه بیش از نیمی از حجم یک سوره به آن ماجرای اسرائیلی اشاره دارد. از جمله در سوره ص که به ماجرای سلیمان و داود میپردازد یا در سوره طه و شعراء و قصص که به تفصیل ماجرای موسی ذکر شده است. همچنین ماجرای زکریا و یحیی و عیسی و مریم در سوره مریم نیز مفصل بیان شده است. ماجرای سلیمان و ملکه سبا نیز بیش از ۳۰ آیه از سوره نمل را به خود اختصاص داده و نمیتواند تنها به دلیل شناخت مختصر مشرکان مورد اشاره قرار گرفته باشد، بلکه به احتمال زیاد مخاطبان بنی اسرائیلی در برابر این آیات حضور داشته اند. همینطور اشاره به ماجرای اصحاب کهف، صاحبان دو باغ، ذی القرنین و موسی با عبد صالح که همگی در سوره کهف بیان شدند، نه تنها ماجراهایی تکامد هستند که تنها یکبار در قرآن اشاره شده اند، بلکه ماجراهایی با رنگ و بوی یهودی و مسیحی هستند؛ بدان معنا که این ماجراها یا به تفصیل در منابع یهودی یا مسیحی ذکر شده اند و یا در شان نزولها یهود یا نصاری مصداق آن معرفی شده اند. اشاره به انبیایی همچون ادريس، زکریا، عیسی و مریم، داود و سلیمان در سوره انبیاء نیز حاکی از حضور مخاطبانی بنی اسرائیلی در برابر آیات است.

د. دلالت واژگانی

قرینه دیگر در تعیین نوع مخاطب، بررسی اصالت واژگان آن سوره است. استعمال واژگانی که اصالت عبرانی یا سریانی یا یونانی دارند، فرضیه یهودی یا نصرانی بودن مخاطب را مطرح میکند. این مسئله در کنار قرائن دیگری که در سیاق آن سوره یا آیات نشانه ای از یهودی یا مسیحی بودن مخاطبان را ارائه میدهد، این فرضیه را تقویت میکند.

- بررسی واژگانی سوره فاتحه الکتاب نیز حضور مخاطبان اهل کتابی را اثبات میکند. عمده الفاظ و عباراتی که در این سوره به کار رفته است چه از نظر اصالت و چه کاربرد در میان یهودیان و نصاری شایع بوده است که از این میان استعمال «رب العالمین» و «یوم الدین» در متون دینی یهودی و مسیحی به همان معنایی که در این آیات آمده است، قابل تامل است (جفری، ۱۳۷۲: ۲۰۹ و ۳۰۹). این مسئله زمانی دارای اهمیت میشود که تلفظ آنها نیز در کنار اکثر کلمات از جمله الحمد لله، الرحمن، الرحیم، یوم الدین، العالمین و ضالین مطابق تلفظ در زبان عبری باشد. به طوریکه واژه الله (الله)، رحمن (رحیم)، رحیم (رحیم)، عالمین (عالمین)، یوم الدین (یوم الدین)، ضالین (ضالین) دقیقاً در عبری به همین صورت تلفظ می شود (با این تفاوت که ح به صورت خ تلفظ میشود) واژه الله (الله) با کمی تغییر به صورت الا تلفظ میشود. کلمه الحمد (Hamad) نیز به صورت خمد تلفظ میشود. مسلماً گزینش این واژگان و عباراتی که نه تنها از لحاظ معنا بلکه حتی در تلفظ نیز برای اقلیتهای اهل کتابی ملموس و معروف هستند، نمیتواند تصادفی و بدون هدف باشد.
- استعمال مفهوم تسبیح، صحف ابراهیم و موسی و نیز بسامد واژه ذکر در سوره اعلی نیز قرآنی بر حضور اهل کتاب در میان مخاطبان این سوره است؛ زیرا علاوه بر اصالت عبری یا سریانی این واژگان، اهل کتاب نیز به خوبی این مفاهیم را که برای نخستین بار در سوره مکی بکار رفته، میشناسند و در متون دینی خود به کار میبرند. به عنوان نمونه ابن عاشور مدعی است که واژه تسبیح از عبرانی به عربی منتقل شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۲۴۲). فرانکل و هیرشفلد گرایش بر این دارند

که باید به دنبال یک منشا یهودی برای این واژه بگردیم، اما احتمال سریانی بودن آن حتی بیشتر است تا عبری یا یهودی بودنش؛ زیرا در گویش فلسطینی مسیحی معادل واژه سبحان و تسبیح به کار رفته است (جفری، ۱۳۷۲، ص ۲۴۸). مشکور نیز برای سَبِّحَ سبحاناً ریشه عبری נִבְּחָה و برای سبحان و تسبیح ریشه سریانی می آورد (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۳۵۲). گروهی دیگر از محققان مدعی هستند که واژه נִבְּחָה با تلفظ شَبِّحَ در عبری میتواند دلالتی بر یگانگی ریشه این کلمات در زبانهای آرامی باشد. دکتر غروی و دکتر نیل ساز در مقاله ای که به مفهوم شناسی این واژه میپردازند، کاربرد واژه تسبیح را به معنای ستایش کردن در زبان های عبری، سریانی، اکدی، حبشی و خانواده آرامی، نظیر زبان مندایی و گویشهای فلسطینی - مسیحی و فلسطینی - یهودی دال بر قدمت این واژه در زبان های سامی میدانند که در گذر زمان این فرصت را یافته است تا در متون مقدس آنان نیز وارد شده و معنایی دینی و آیینی بیابد (غروی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۸۹). آنچه مسلم است، شناخت اهل کتاب از این واژه و استعمال آن در متون مقدس ایشان است. به عبارت دیگر واژه تسبیح در گذر زمان استعمال دینی و شکل آیینی به خود گرفته و در میان پیروان ادیان مختلف از جمله یهود و نصاری شناخته شده است. اما آنچه از همه مهم تر است آن است که آیه اول این سوره «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» عیناً در عهد عتیق تکرار شده که قرینه ای بر حضور اهل کتاب است و در قسمت بینامتنیت بررسی شد.

- بسامد بی نظیر برخی از واژگان یک سوره به تعیین نوع مخاطب منجر میشود؛ از جمله این واژگان، «الرحمن» است که با ۱۶ بار تکرار در سوره مریم به دلیل اصالت عبرانی و یا سریانی آن، حاکی از حضور گروههای یهودی یا مسیحی در برابر این آیات است. این فرضیه با بررسی سیاق سوره که سخن از عیسی و مریم است و دیگر شواهد موجود در سوره، قابل اثبات و تایید است.

- «وَ الطُّورِ/ وَ كِتَابِ مَسْطُورٍ/ فِي رَقِّ مَنَشُورٍ/ وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ/ وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ/ وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» (طور: ۶-۱). نخستین سوگند، قسم به طور است و «طور» اشاره به کوهی است که موسی در آن با خداوند به گفتگو نشست. دومین سوگند، «کتاب مسطور» است که علی رغم نظر برخی که مراد از آن را قرآن یا لوح محفوظ یا اعمال آدمیان میدانند (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۴۷)، اما باید مراد کتابی باشد که اولاً نوشته شده باشد، و ثانیاً با طور ارتباط داشته باشد. قرآن در زمان نزول این آیه هنوز به صورت مکتوب و سطر سطر درنیامده بود و در رق یعنی صحیفه های پوستی هم نوشته نشده بود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۵۳) و از سویی با طور نیز ارتباطی ندارد. اما اگر مراد از کتاب مسطور، تورات باشد، هم با آیه قبل و هم آیه بعدی مرتبط است و از سویی در زمان نزول این آیات، تورات به صورت مکتوب در رق ها منتشر شده بود. مراد از رق صحیفه هایی است که از پوست سفید گرفته شده بود و یهود تورات را در آنها مینوشت و آنها را به شکل استوانه ای میپیچید و هنگامی که قصد خواندنش را داشت، این طومار پیچیده را منشور یعنی باز میکرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۵۳؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۳۹۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۷؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۷، ص ۳۵۲). سومین سوگند، قسم به «البيت المعمور» است که تلفظ آن در عبری دقیقاً به صورت عربی است: «בֵּית אֱלֹהִים-מְעוּר» و این میتواند به معنای شناخت این لفظ در میان مخاطبان یهودی باشد. سوگند بعدی «والسقف المرفوع» است که مراد از آن آسمان است و از نظر ابن عاشور ارتباطش با آیات قبل آن است که مصدر وحی است؛ چه این وحی تورات باشد و چه قرآن (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۵۳). آخرین سوگند در اینجا قسم به البحر المسجور است که معرفه آمدن آن نشان از آن دارد که برای مخاطب آشناست. ابن عاشور معتقد است مراد از

بحر مسجور دریای قلزم یعنی همان دریای سرخ است که فرعون و قومش در آن غرق شدند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۵۳). تقریباً تمام سوگندهایی که در آیات اول تا ششم این سوره به کار رفته است، با مقدسات یهود مرتبط است که به معنای حضور این اقلیت در میان مخاطبان سوره است.

مجموع قرائن قرآنی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به اهل کتاب و معتقدات و وابسته های به آنها اشاره دارد، در کنار دیگر شواهدی که اسباب نزول یک سوره و یا قرائن تاریخی و تفسیری ارائه میکنند، حضور اهل کتاب در مکه را نشان میدهد.

در جدول زیر به صورت خلاصه آیه‌ای که کلید واژگان حوزه اهل کتاب در آن به کار رفته است، نمایش داده میشود:

ردیف	کلید واژه	تعداد تکرار	آدرس آیه
۱	اوتوا الكتاب	۱ مرتبه	(مدثر: ۳۱)
۲	تورات و انجیل	۱ مرتبه	(اعراف: ۱۵۷)
۳	بنی اسرائیل	۲۴ مرتبه	مانند: (شعراء: ۱۹۷)،
۴	الذین هادوا	۳ مرتبه	مانند: (انعام: ۱۴۶)
۵	الذین آتیناهم الكتاب	۶ مرتبه	مانند: (قصص: ۵۲)
۶	الذین یقروون الكتاب	۱ مرتبه	(یونس: ۹۴)
۷	ابن مریم	۲ مرتبه	مانند: (مؤمنون: ۵۰)
۸	الصحف الاولى	۲ مرتبه	مانند: (طه: ۱۳۳).
۹	نصاری	۱ مرتبه	(حج: ۱)
۱۰	صابین	۱ مرتبه	(حج: ۱)
۱۱	اورثنا الكتاب/ اورثوا الكتاب/ ورثوا الكتاب	۴ مرتبه	مانند: (شوری: ۱۴)

۱-۲ - شواهد تاریخی

منابع تاریخی از حضور اهل کتاب در حجاز و به ویژه در مکه از مدتی پیش از بعثت پیامبر و نیز در سرتاسر حضور پیامبر در مکه حکایت دارد. این منابع مهاجرت یهودیان را از زمان موسی و بعد از آن به واسطه تعدیات رومیها و پس از خرابی اورشلیم به حجاز گزارش میکنند به طوری که احتمالاً نبطی ها هم در این آمد و شد با یهودیان بودند و در شهرهای مکه و مدینه و طائف اقامت کردند (زیدان، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۱۶). به شهادت گزارشهای تاریخی یهودیان هم به صورت ساکنان دائمی و هم در قالب مسافران و تاجران موقت در مکه حضور داشتند و بدانجا رفت آمد میکردند (جوادعلی، بی تا، ج ۱۲، ص ۸۷؛ دروزه، ۱۹۶۹م، ص ۴۳۶). آمدن یهود به حجاز در وضع اجتماعی اعراب آن منطقه تاثیر بسیار داشت. مراسم حج، قربانی، نکاح، طلاق، برگزاری رسومات عید، انتخاب کاهن و امثال آن مطالبی بود که حجازیان از یهودیان آموختند (زیدان، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۱۶). حتی برخی از آداب مربوط به قربانی و پرده داری کعبه نیز از یهودیان گرفته شده بود. زیدان در کتاب خود بیان میکند که وظیفه دربان و پرده دار آن بود که در کعبه را میگذشود و می بسته است. عربها این رسم را از یهود آموختند چه که آنان برای گشودن و بستن هیکل (معبد یهود) پرده دار و دربان مخصوص داشتند (زیدان، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۲۰).

ابن اثیر روایاتی از حضور همسایگان یهودی عبدالمطلب و زنان کاهن یهودی در مکه گزارش میکند که میتوان سکونت یهود در مکه را از آن نتیجه گرفت (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۸۱۱-۸۲۰). واحدی نیز از ماجرای طلب قرض پیامبر از یک یهودی گزارش میدهد که به معنای حضور دائمی و نه موقت یهود در مکه است (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۳۱۲).

گفتنی است که دروزه عدم جدال و حملات قرآن مکی به یهود را حاکی از آن می داند که تعداد آنها در مکه کم بوده است، به طوریکه همانند مدینه شامل جماعت و گروههای بزرگ نمیشدند، بلکه بصورت فردی و در قالب گروههای کوچکتر زندگی می کردند (دروزه، ۱۹۶۴، ص ۱۷۲).

مکه میزبان ساکنان نصرانی نیز بوده است. سابقه نفوذ این دین در میان مکیان به تلاش در نزدیک کردن ایشان به امپراتوری بیزانس نمایان میشود. وات در گزارشی بیان میکند که مسیحیت ارتدوکس یعنی به طور کلی کلیسای اعظم پس از آنکه در زمان حکومت قسطنطین مذهب رسمی امپراتوری گردید، بیش از اندازه شریک نزدیک امپراتوری بیزانس شد. اگر مردم مکه مسیحیت را میپذیرفتند ناگزیر در برخی از جنبه ها تبعه بیزانس میشدند. اما برای مردم مکه مهم بود تا به خاطر منافع بازرگانی بی طرفی خود را میان امپراتوریهای بیزانس و ساسانی حفظ کنند. حدود ۵۹۰ میلادی یا اندکی دیرتر شخصی از مردم مکه به نام عثمان بن الحویرث که به مسیحیت گرویده بود، ظاهراً تلاش کرده که مکیان را وادار نماید تا او را نوعی امیر بشناسند و به ایشان وعده داده که امتیازات خاصی برای مردم مکه از بیزانسیها بگیرد. گمان میرود موضوع مذهب و نیز مدعای وی برای امارت سبب شده تا مردم پیشنهاد او را نپذیرند (وات، ۱۳۷۳، ص ۱۷).

در واقع در مکه فقط از بعضی افراد (و نه گروههای) مسیحی نظیر ورقه بن نوفل اخباری در دست است. دلیل اینکه چرا عده بیشتری از عرب ها مسیحی نشده بودند، بی شک تا حدودی این واقعیت است که مسیحیت فحوا و صبغه سیاسی داشت. امپراتوری های بیزانس و حبشه رسماً مسیحی (ارتدوکس یا مونوفیزیته) بودند و مسیحیت نسطوری در امپراتوری ایران قوی بود (بل، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

دیگر مسیحیان مکی به دلایلی همچون بردگی، تجارت، تبشیر و کسب درآمد بدان وارد شده بودند. بردگان سیاه آفریقایی و سفید اروپایی. از میان این بردگان سفید گروهی بودند که خواندن و نوشتن میدانستند و نسبت به امور دینی خود و دیگر مسائل شناخت داشتند (دروزه، ۱۹۶۴، صص ۱۷۹-۱۸۱؛ ضیف، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۰۰؛ وات، ۱۴۱۵، ص ۸۲). جواد علی در یکی از گزارشهای خود از بردگان نصرانی سخن میگوید که قادر به تفسیر تورات و انجیل و بیان داستانهای مسیحی بودند (وات، ۱۴۱۵، ص ۱۶۲) و همین امر همواره پیامبر را در مظان اتهام قرار میداد که توسط این گروه تعلیم دیده و آموخته های ایشان را تکرار میکند (دروزه، ۱۹۶۴، ص ۷۶۱). تصاویر مریم و عیسی که بر دیوار کعبه نقش بسته بود، نیز دلیلی بر اثر نصرانیت در مکه است (جوادعلی، بی تا: ج ۱۲، ص ۱۸۳). گوستاو لوبون در کتاب تاریخ تمدن اسلام و عرب مینویسد که در زمان پیامبر اسلام سیصد و شصت بت در کعبه موجود بود که صورت حضرت عیسی و مریم هم مطابق اقوال اکثر مورخین و مخصوصاً هروی جزء آنها بوده است (لوبون، ۱۳۳۴، ص ۱۰۴). ویل دورانت نیز در کتاب تاریخ تمدن خود به اقامت مسیحیان در مکه اشاره کرده است (دورانت، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۱۶).

اهل حجاز با نصاری یمن و شام ارتباط زیاد و حتی زبان قومی مشترکی داشتند. نصاری همواره در موسمه های حج و بازارهای سالیانه مکیان شرکت کرده و خود در آنها به تبشیر و خطبه خوانی مبادرت میورزیدند، همچون قس بن ساعده. عباداتی همچون نماز و تقالید قبیله ای باعث استحکام بیشتر روابط عرب و نصاری شده بود، به طوریکه عرب غیر نصرانی به خصوص اهل حجاز با نصاری پیوند خویشی برقرار کرده و همه اینها فرصت زیادی برای تأثیر و تأثر میان این دو گروه فراهم میکرد (دروزه، ۱۹۶۴، ص ۷۶۲).

اطلاعات دقیقی از عدد و مذهب نصارای مکی در دست نیست، حتی تاریخ ورود ایشان به مکه و اهداف و فعالیتهای ایشان به روشنی تبیین نشده است، اما دروزه مدعی است، به شهادت آیات مکی تعداد ایشان بیش از یهودیان بوده است و از نظر فرهنگی سطح بالاتری داشته اند، زیرا عمدتاً از مصر و حبشه و شام به مکه آمده بودند (دروزه، ۱۹۶۴م، ص ۱۶۸)؛ اما تعداد ایشان به اندازه ای نبوده که قدرت جدال با قدرت حاکم یا حتی پیامبر را داشته باشند. این فرقه به ادعای دروزه عمدتاً از شام و روم بودند که به دعوت قریش برای انجام برخی امور صنعتی یا تجاری به مکه آمده بودند و یا به دلیل فشارهایی که از سمت دولتهای خود با آن مواجه بودند، به مکه وارد شده بودند و یا قصد تبشیر داشتند (دروزه، ۱۹۶۴م، ص ۱۶۶). وات نیز مدعی است که تعدادی مسیحی بیزانسی و احتمالاً بیشتر هنرمند در مکه به سر میبرده اند (وات، ۱۳۷۳، ص ۱۷). وی مدعی است که چشم انداز فرهنگ عمومی اعراب مکه در برخی طرق به نسطوریان نزدیکتر بوده است (وات، ۱۳۷۳، ص ۱۶).

بررسی نامها نیز میتواند حضور اهل کتاب را در مکه نشان دهد. به طوریکه در میان زنان و مردان نصرانی که به عنوان برده به مکه آمده بودند، نامهای شناخته شده ای وجود داشت؛ از آن جمله نسطاس یا انستاس برده صفوان بن امیه، یوحنا برده صهیب رومی و نامهایی چون مینا یا میناس بود (جوادعلی، بی تا، ج ۱۲، صص ۱۷۹-۱۸۱). این هشام در سیره خود از حضور وفد و هیئتی از نصارای حبشه و نجران به مکه گزارشهایی نقل کرده است، که حضور این اقلیت را در مکه تایید میکند. هرچند حضور ایشان کوتاه و موقت بوده است (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۳). ایاتی که از شعرای نصرانی جاهلی به جای مانده نیز میتواند به عنوان شاهدی دال بر حضور نصاری در مکه استشهاد شود. مانند این بیت از عدی:

سعی الأعداء لا یألون شراً
علیک ورب مکه والصلیب

شیخو مدعی است این بیت دلیل بر انتشار نصرانیت در مکه و مسیحی شدن برخی قبایل مکه و قدمت نصرانیت در مکه است، به طوریکه تصاویر انبیا و عیسی و مادرش بر دیوار کعبه منقوش بود و به همین دلیل نصارای جاهلی حج گزارده و آن را تقدیس میکردند و همین مسئله باعث شده که عدی در این بیت به آن خانه سوگند بخورد (شیخو، بی تا، ص ۵۲) و اعشی نیز در بیت دیگری به این بنا قسم یاد کند:

حلفت بثوبی راهب الدیر والتی
بناها قصی والمضاض بن جرهم (جوادعلی، بی تا، ج ۱۲، ص ۲۴۱).

مسیحی شدن برخی قبایل عرب همچون قریش نیز از حضور این گروه در مکه و تأثیر بر مکیان حکایت دارد (جوادعلی، بی تا، ج ۱۲، ص ۱۶۴).

شیخو در کتاب خود «النصرانیة و آدابها بین عرب الجاهلیة» به نقل از دیگر محققان به مقبره نصاری در پشت ملقع اشاره میکند و ملقع را کوهی معرفی میکند که در پایین مکه قرار دارد. همچنین از مسجد مریم نام میبرد که به گمان او در همسایگی مکه قرار دارد و به نام مریم عذراء نام گذاری شده است (شیخو، بی تا، ص ۵۲). هرچند مراد وی از مسجد به درستی مشخص نیست و احتمالاً منظور عبادتگاه نصاری است، اما این گزارش حاکی از آن است که در مکه تعداد قابل توجهی از نصاری حضور داشتند که نه تنها دارای عبادتگاه بوده بلکه قبرستانی مختص به خود نیز داشته اند.

بدین ترتیب ملاحظه میشود که منابع تاریخی و سیره نیز بر حضور اهل کتاب در مکه صحه گذاشته و آن را تایید میکنند. وجود چنین گزارشهای صریحی از حضور این اقلیت در دوران حضور پیامبر در مکه تلاش مفسران در انکار این حضور را مردود اعلام میکند.

۳-۱ - شواهد روایی

اسباب نزولی که ذیل برخی از آیات گزارش شده و به نقش یهود یا نصاری در نزول آیات مکی اشاره دارد، نمیتواند همگی در پی پرسشهای یهود مدینه و تحریک قریش انجام شده باشد، چنانکه عمدتاً مفسران در توجیه این آیات مطرح میکنند، بلکه این مطالبات یا حوادث از سوی اهل کتابی رخ داده که در مکه حضور داشته اند.

مفسران سبب نزول سوره ناس و فلق را سحر شدن پیامبر توسط یهود عنوان میکنند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰، ص ۲۵۱؛ واحدی، ۱۴۱۱، صص ۵۰۲ - ۵۰۳). همینطور نزول سوره اخلاص را به دنبال سوال یهود از نسب پروردگار میدانند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۳۵۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۲۲۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۳۹۰). این مسئله به معنای حضور همین اقلیت به عنوان مخاطبان آیات این سوره است.

- ذیل آیه ۱۸۷ سوره اعراف سبب نزولی ذکر شده که به سوال گروهی از یهود در مورد قیامت اشاره دارد که به منظور امتحان پیامبر مطرح کردند (قرطبی، ۱۲۶۴، ج ۷، ص ۳۳۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۴۶۸).
- سبب نزول آیه ۵۱ سوره شوری نیز به یهود اشاره دارد که به پیغمبر (ص) میگفتند اگر تو به راستی پیغمبری چرا مثل موسی خدا را آشکارا نمی بینی و با او همسخن نمی شوی و تا چنین نکنی به تو ایمان نیاوریم. حضرت فرمود: موسی نیز خدا را ندیده است و آیه مورد بحث نازل شد (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۳۹۰).
- آیه «هَذَا خِطْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ» (حج: ۱۹) را برخی همچون ابن عباس درباره یهود میدانند که به مسلمین میگفتند: ما از شما به خدا نزدیک تر و کتاب و پیغمبرمان مقدم تر است و مسلمین میگفتند ما بر حق تریم که هم به محمد و هم به پیغمبر (ص) شما و هم به هر کتابی که نازل شده، ایمان داریم. در حالی که شما با وجود علم و شناخت، پیغمبر (ص) ما را به سبب حسادت انکار میکنید. ابن عباس گوید: جدال دو گروه که در آیه ذکر شده، همین بوده است و قتاده نیز بر همین نظر است (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۳۱۷).
- در مورد سبب نزول آیه «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ» (طه: ۱۳۱) نیز نقل شده که مهمانی برای پیامبر رسید. حضرت کسی را نزدیک یهودی فرستاد که مقداری آرد نسبه بگیرد. یهودی گفت با محمد معامله نمی کنم و نسبه نمی دهم مگر گرویی بدهد. زمانی که پیامبر این را شنید، فرمود: به خدا در زمین و آسمان امین هستم. اگر می فروخت به جای این پیرهن یا زره به او طلا می دادم. آیه مورد بحث برای تسلی و غمزدایی پیغمبر (ص) نازل شد (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، صص ۷۵ - ۷۶؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۳۱۲).
- مفسران شان نزول برخی از آیات سوره اسراء را نیز با یهود مرتبط دانسته اند؛ از جمله آیه ۸۵ این سوره که به سوال در مورد روح اشاره دارد (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۳۰۰)؛ یا شأن نزول آیه ۷۶ که به یهود اشاره شده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۳۰۲).
- شان نزولهایی که ذیل سوره یوسف وارد شده، نزول این سوره را در پی درخواست یهود میدانند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۹، ص ۱۱۸؛ دروزه، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۸).
- سبب نزول آیه ۱۰۳ سوره نحل گزارشی است که واحدی طبق آن، حضور دو برده مسیحی در مکه به عنوان معلمان پیامبر را نقل میکند (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۲۸۸). این شأن نزول بر حضور این گروه در مکه دلالت دارد.

• ذیل آیه ۳۸ سوره رعد از قول کلبی روایتی نقل شده است که یهود بر ازدواجهای رسول الله عیب میگرفتند و ادعا میکردند که ایشان مشغله‌ای جز زن گرفتن و کامجویی ندارد. به همین مناسبت این آیه در پاسخ آنها نازل شد (واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۷۹). این شان نزول به حضور یهودیانی اشاره دارد که بر پیامبر خرده میگرفتند. اگر این سوره مکی باشد و از سوری باشد که در پایان دوران مکه نازل شده است، میتوان حضور یهود در مکه را ملاحظه نمود.

همانطور که ملاحظه شد، تعداد زیادی از آیات مکی به دنبال سوال یا شبهه‌ای از سوی اهل کتاب نازل شده است. هرچند تکیه مطلق بر اسباب نزول یک سوره نمیتواند منجر به اثبات حضور اهل کتاب در مکه شود، اما میتواند به عنوان قرینه‌ای در کنار دیگر قرائن حضور این اقلیت را در مکه تایید کند.

شواهد تفسیری

غالب مفسران و محققان هنگام مواجهه با آیات مکی که خطاب به اهل کتاب است، آن را از سیاق جدا کرده و مستثنی اعلام میکنند. استدلال این گروه آن است که در مکه اهل کتاب حضور نداشتند، لذا این آیات مرتبط با دوران مدنی است. این درحالیست که گروه دیگری از مفسران در مواجهه با این آیات، نه تنها بر گسستگی آیات حکم نمیکند، بلکه بر حضور اهل کتاب در مکه تصریح میکنند.

عبدالله صوله قرآن پژوه معاصر تونسسی ضمن اعتقاد به تعامل با اهل کتاب در مکه، این تعامل را در جهت ایجاد زمینه مشترک با این اقلیت عنوان میکند و مدعی است که در قرآن مکی خداوند به عدم مجادله با اهل کتاب تصریح و یهود و نصاری را با عنوان بنی اسرائیل و اهل کتاب خطاب می کند و بر خط توحیدی واحد این ادیان تکیه کرده و کلماتی استعمال می کند که بیانگر نزدیکی بیشتر بین آنهاست (مانند الرحمن)؛ اما در قرآن مدنی واژگان یهود، تورات، نصاری و انجیل و جدال با آنها ملاحظه شده و به اشتراکات با ایشان کمتر اشاره می شود (صوله، ۲۰۰۷م، ص ۲۲۱). در ادامه دیدگاه دیگر مفسران ذیل آیات مربوط به اهل کتاب بررسی میشود:

- مفسران ذیل آیه ۳۱ سوره مدثر که به اوتوا الکتاب اشاره کرده، مراد از ایشان را یهود یا نصاری میدانند (برای نمونه نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۸۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۸۲). با توجه به مکی بودن این سوره، دیدگاه این مفسران تاییدی بر حضور اهل کتاب در مکه است.
- غالب مفسران با استناد به روایتی از پیامبر که ضالین را نصاری و مغضوبین را یهود معرفی کرده بود، ایشان را مصداق آخرین آیه سوره حمد میدانند (برای نمونه نک: طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶). هرچند در پذیرش و عدم پذیرش این مصداق بین مفسران اختلاف وجود دارد، اما اشاره به این دو اقلیت ذیل این سوره بی ارتباط با حضور ایشان در جامعه مکی پیش از هجرت نیست.
- قرطبی نزول آیات پایانی سوره اخلاص را که به عدم زاد و ولد الله اشاره شده است، در رد نصاری و یهود عنوان میکند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰، ص ۲۴۶). همین مسئله میتواند به معنای حضور این اقلیت ها در میان مخاطبان این سوره مکی باشد، به طوریکه خداوند در حضور ایشان با نزول آیاتی به رد معتقداتشان پرداخته است.
- غالب مفسران نزول آیه ۳۸ قاف را در رد عقیده یهود مبنی بر استراحت خداوند پس از خلقت آسمانها و زمین میدانند (برای نمونه نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۲۲۸). اما گروهی از ایشان با وجودیکه از یهود به عنوان مخاطبان سوره نام برده اند، ولی سعی در مستثنی و مدنی دانستن این آیه نکرده و آن را همچنان مکی دانسته اند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۱۴۴). این مسئله به معنای باور این مفسران بر حضور یهود در مکه است.

- برخی مفسران ذیل آیه ۴ سوره فرقان مراد از قومی که پیامبر را بر افک و بافته های دروغین یاری کرده اند، گروهی از یهود یا نصاریی میدانند که در مکه برده بوده یا شغل دیگری داشتند مانند جبر و یسار رومی و عبید بن حصر حبشی کاهن (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۵۱).
 - در تفسیر برخی از آیات مفسران صراحتاً به اهل کتاب مکه اشاره کرده اند. مانند تفسیر آیه ۷۶ سوره نمل که در زوه این چنین مینویسد: «برخی از کفار عرب از یهودیان مکه در مورد آخرت سوال پرسیدند» (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۹۹). در این تفسیر مراد دروزه از یهودیان مکه اقلیتی از اهل کتاب یهود است که ساکن مکه بودند.
 - در سوره قصص خداوند به تمجید از اهل کتابی میپردازد که دروزه احتمال مکی بودن آنها را مطرح میکند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۲۵).
 - مفسران یکی از مصادیق آیه هفدهم سوره هود را اهل تورات یا انجیل معرفی میکنند: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدًا مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۷۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۵۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۵۱۶). با توجه به اینکه ایشان پس از این تفسیر سعی در مستثنی خواندن این آیات نداشتند، میتوان حضور اهل کتاب در مکه را از این دیدگاه تفسیری نتیجه گرفت.
 - مراد از اوتوا العلم در آیه ۶ سوره سبأ طبق نظر غالب مفسران اهل کتاب هستند (برای نمونه نک: طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۷۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۴۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۲۶۱). هر چند گروهی به دلیل اشاره به اهل کتاب، سعی کردند این آیه را از سیاق جدا کنند و آیه ای مدنی معرفی کنند، اما پیوستگی نزول آیات این سوره و نیز عدم ارائه حجت قوی از سوی ایشان مانع از پذیرش مدنی بودن این آیه میشود. علاوه بر آن برخی از مفسران مدعی هستند که حتی اگر مراد از این آیه اهل کتاب باشند، باز هم در مکی بودن آن خللی وارد نمیشود، زیرا یا منظور آن است که ایشان در دلهایشان بدان علم دارند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۱۶) و یا مراد یهود و نصاریی مکی هستند (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۲۶۶).
 - در آیه ۱۴ سوره شوری مفسران مراد از «الذین اورثوا الكتاب» و مراد از کسانی که بعد از آمدن علم، دچار تفرقه شدند، یهود یا نصاریی معرفی شدند (برای نمونه نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۱۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۳۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۲۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۳۰۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۷۹؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۹۵).
 - آیه دهم سوره احقاف به شاهدی از بنی اسرائیل اشاره میکند. طبق نظر مفسران مراد از این شاهد یا اهل کتابی هستند که میان مکه و مدینه رفت و آمد میکردند (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۲)، یا با اسم جنس گرفتن کلمه «الشاهد» مراد افرادی عام تر از عبدالله بن سلام و غیر او را معرفی میکنند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۵۶).
 - در آیه ۴۳ سوره نحل و آیه ۷ انبیاء، مشرکان به اهل الذکر ارجاع داده شده اند. مفسران مراد از اهل الذکر را اهل کتاب منصف معرفی کرده اند (برای نمونه نک: ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۹۳؛ دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۳۷).
- عدم تلاش مفسران در مستثنی خواندن آیاتی که به اهل کتاب اشاره شده، به معنای آن است که ایشان نمیتوانند برای تک آیاتی که به اهل کتاب اشاره دارند، توجیه واحدی ارائه کرده و همه آنها را از سیاق جدا و مدنی اعلام کنند. لذا در برابر برخی از آیات چاره ای جز سکوت ندارند. این گروه در مواضع دیگر عامدانه یا غیر عامدانه قرائن متعدد قرآنی و تاریخی را نادیده انگاشته و ساده ترین راه برای توجیه

علت اشاره آیات مکی به اهل کتاب را نزول گسسته آیات اعلام کرده اند که عمدتا بدون ارائه دلایل متقن صورت گرفته است. این درحالیست که با استناد به قرآنی که اشاره شد، میتوان حضور اهل کتاب را نه تنها به دلیل سفر، زیارت یا تجارت بلکه سکونت دائم ایشان در مکه را نتیجه گرفت. نکته قابل توجه آن است که اثبات حضور اهل کتاب در مکه با تکیه بر یک قرینه امکان پذیر نیست؛ بلکه در کنار هم قرار گرفتن چند قرینه این حضور را اثبات میکند. به عنوان نمونه استعمال یک واژه که مرتبط با اهل کتاب است نمیتواند حضور ایشان را در مکه مطرح کند، اما اگر در شان نزول آن آیه نیز به اهل کتاب اشاره شده، یا مفسران به این اقلیت اشاره کردند و یا دیگر شواهد بینامتنی بر این حضور تاکید کند، میتوان حضور ایشان را نتیجه گیری کرد.

نتیجه گیری

باور به عدم حضور اهل کتاب در مکه در نخستین سالهای بعثت، پیامدهایی به دنبال دارد که مهمترین آنها گسسته دانستن آیاتی است که در میان سوره مکی قرار دارد و صراحتا به اهل کتاب اشاره دارند. مفسران عمدتا در مواجهه با این آیات، بدون استدلالی محکم آنها را مستثنی و مدنی اعلام میکنند؛ اما یافته های پژوهش حاضر حاکی از آن است که در سیزده سال حضور پیامبر در مکه، نه تنها گروهی از اهل کتاب در زمره ساکنان مکه و به صورت دائم در آن دیار حضور داشتند، بلکه مکه میزبان کاروانهای متعدد تجاری و زیارتی متشکل از اهل کتاب بود. این نظریه با بررسی شواهد متعدد تاریخی که به حضور نصاری در قالب برده، تاجر یا مبشر اشاره دارد و همچنین توجه به سکونت یهود در مکه به عنوان منتظران ظهور پیامبر و وجود مدراش (مدارس یهودی) قابل اثبات است. علاوه بر آن شواهد شعری، بررسی نامها و وجود مقابر و معابد اهل کتاب در مکه از دیگر قرائن تاریخی حضور این اقلیت در مکه است. بررسی اسباب نزولی که ذیل آیات مکی نقل شده و نزول یک یا چند آیه و سوره را در پی سوال اهل کتاب یا رفتار ایشان عنوان میکند، بررسی آیاتی که بصورت مستقیم و با کلید واژه های بنی اسرائیل، اوتوا الکتاب، اهل الکتاب، آتینا الکتاب، تورات، انجیل، الذین هادوا و النصاری به این اقلیت اشاره دارد، در کنار بینامتنیت دسته دیگری از آیات مکی با متون عهدینی و نیز اشارات غیر مستقیم آیات مهمترین قرائن قرآنی و روایی بر اثبات حضور اهل کتاب در مکه است. علاوه بر این قرائن، گروهی از مفسران نیز به حضور این اقلیت در مکه به صورت دائم یا موقت تصریح میکنند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می دارند که در انجام این پژوهش هیچ گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده اند.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. دار صادر.

ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التئویر. مؤسسة التاریخ العربی.

ابن عطیه، ابومحمد. (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. دار الکتب العلمیة

ابن كثير، اسماعيل بن عمر. (١٤١٩ق). تفسير القرآن العظيم. دار الكتب العلمية. حميرى، ابن هشام. (بى تا)، السيرة النبوية. مكتبة محمد علي صبيح و اولاده.

احمدزاد، امير؛ و كلباسى، اشترى، زهرا. (١٣٩٣). نقد ديده گاه مفسران معاصر درباره تعامل پيامبر با اهل كتاب در مکه. پژوهشهای قرآن و حديث، ١٧٥-٢٠١.

<https://doi.org/10.22059/jqst.2014.54275>

احمدزاد، امير؛ و كلباسى، زهرا. (١٣٩٦). بررسى تفسیری سیر تعامل پیامبر اکرم در مکه با اهل كتاب. مجله مطالعات تفسیری، ٢٩٨، ١٩-٣٨.

بل، ريچارد؛ و وات، مونتگمرى. (١٣٨٢). درآمدی بر تاريخ قرآن، بازنگرى و بازنگرارى (بهاء الدين خرمشاهى، مترجم). مركز ترجمه قرآن مجيد به زبان هاى خارجى.

بيضاوى، عبدالله بن عمر. (١٤١٨ق). أنوار التنزيل و أسرار التأويل. دار إحياء التراث العربى.

ثعالبي، ابوزيد عبد الرحمن بن محمد. (١٤١٨ق). الجواهر الحسان في تفسير القرآن. دار إحياء التراث العربى.

جفرى، آرتور. (١٣٧٢). واژه‌هاى دخيل در قرآن (فريدون بدره اى، مترجم). توس.

على، جواد. (١٤٢٢ق). المفصل في تاريخ العرب قبل الإسلام. دار الساقى.

دروزه، محمد عزه. (١٤٢١ق). التفسير الحديث: ترتيب السور حسب النزول. دار الغرب الإسلامى.

دروزه، محمد عزت. (١٩٦٤ م). عصر النبى و بينته قبل البعثة. داراليقظة العربيه.

دورانت، ويل. (١٤٣٠ق). تاريخ تمدن: كتاب چهارم عصر ايمان (ابوالقاسم پاينده، مترجم). اقبال.

زيدان، جرجى. (١٣٣٦). تاريخ التمدن الإسلامى. بى نا.

قطب، سيد. (١٤٢٥). فى ظلال القرآن. دار الشروق.

سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر. (١٤٢١ق). الاتقان فى علوم القرآن. دارالكتب العربى.

طوسى، محمد بن حسن. (بى تا). التبيان في تفسير القرآن (احمد حبيب عاملى، مصحح). دار إحياء التراث العربى.

شيوخو، رزق الله بن يوسف بن عبد المسيح بن يعقوب. (بى تا). النصرانية و آدابها بين عرب الجاهليه. بى نا.

صادقى تهرانى، محمد. (١٤٠٦ق). الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن و السنة. مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

صوله، عبدالله. (٢٠٠٧م). الحجاج فى القرآن من خلال اهم خصائص الاسلوبيه. دارالفارابى.

ضيف، شوقى. (١٤٢٧ق). تاريخ الادب العربى. ذوى القربى.

طباطبايى، محمد حسين. (١٣٩٠). الميزان في تفسير القرآن. مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

طبرسى، فضل بن حسن. (١٣٧٢). مجمع البيان في تفسير القرآن (فضل الله يزدى طباطبايى و هاشم رسولى، مصحح). ناصر خسرو.

طبرى، محمد بن جرير. (١٤١٢ق). جامع البيان في تفسير القرآن (تفسير الطبرى). دار المعرفة.

غزوى نائينى، نهل؛ نيل ساز، نصرت؛ و اخوان طبسى، محمد حسين. (١٤٠١). تحليلي بر گزاره قرآني «سبح بحمد ربك» با روش ريشه شناسي واژگان. دوفصلنامه علمي

پژوهشنامه تفسير و زبان قرآن، ١٠، ١٨٣-١٩٨.

<https://doi.org/10.30473/quran.2022.63533.3144>

فخر رازى، محمد بن عمر. (١٤٢٠ق). التفسير الكبير (مفاتيح الغيب). دار إحياء التراث العربى.

قرطبى، محمد بن احمد. (١٣٦٤). الجامع لأحكام القرآن. ناصر خسرو

لوبون، گوستاو. (١٣٤٤). تاريخ تمدن اسلام و عرب (محمد تقى فخر داعى گيلانى، مترجم). بنگاه مطبوعاتي على اكبر علمى.

مشكور، محمد جواد. (١٣٥٧). فرهنگ تطبيقي عربى با زبانهاى سامى و ايرانى. بنياد فرهنگ ايران.

مقاتل بن سليمان، ابوالحسن. (١٤٢٣ق). تفسير مقاتل بن سليمان. دار إحياء التراث العربى.

نويرت، آنجليكا. (١٣٩٣). دو چهره از قرآن: قرآن و مصحف (مهدى عزتى آراسته، مترجم). تفسير اهل بيت، ١٢، ٨٣-١١٢.

وات، مونتگمرى. (١٤١٥ق). محمد فى مکه (عبدالرحمن عبدالله شيخ، مترجم؛ احمد الشلبى، شارح). الهيئه المصرىه العامه للكتب.

واحدى، على بن احمد. (١٤١١ق). اسباب نزول القرآن (كمال بسينوى زغلول، محقق). دار الكتب العلميه.